

تعرض به «تمامیت معنوی شخصیت» و رابطه آن با «تعرض به تمامیت مادی شخصیت» و «تعرضات مالی»*

فاطمه قدرتی**

چکیده

در کنار حقوقی که از تمامیت جسمی انسان حمایت می‌کند می‌توان حقوقی را فرض کرد که جهت صیانت از مصالح غیر مادی شخصیت محقق شده‌اند. در میان فقها و حقوقدانان کشور، موارد تعرض به دسته دوم از حقوق به روشنی مصداقیابی و موضوع‌شناسی نشده است و دامنه مصداقی آن در تعاریف مختلف متفاوت است؛ تا آنجا که برخی آن را قسمی از زبان‌های بدنی و قسیم تعرضات وارده به حقوق مالی و دارایی‌های مادی دانسته و برخی آن را قسیم تعرضات مالی و بدنی می‌دانند. برخی تعاریف نیز تعدادی از مصداقی این دسته از تعرضات را جدا کرده و آنها را جزو خسارات ادبی با مفهومی مجزاً از خسارات معنوی برشمرده‌اند. امروزه، نظر به اهمیت موضوع‌شناسی در مباحث فقهی و حقوقی، به‌ویژه توجه به این دسته از حقوق که احکام آن موضوع بسیاری از تحقیقات فقهی و حقوقی معاصر است، به عنوان اولین قدم، ضرورت ارائه تعریفی روشن و واحد از آن احساس می‌شود. از این رو، این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای در بازشناسی مفهوم تعرض به حقوق مربوط به تمامیت غیر جسمی انسان و تبیین نسبت آن با سایر انواع تعرضات، ضمن بررسی، نقد و تحلیل تعاریف موجود، در ارائه یک تعریف مجدد، خدشه به بعد غیرمادی شخصیت را همان آسیب وارده به مصالح غیر مادی نفس دانسته که از میان مصالح پنجگانه شامل مصلحت دین و اعتقادات مذهبی، تمامیت روحی انسان، آبرو و شرافت، قوه عاقله و فرآورده‌های عقل خواهد بود. در این معنا، نسبت این دسته از تعرضات با سایر انواع زبان‌های وارده به انسان با توجه به دو تفسیر متفاوت از اضافه «مادی» و «معنوی»، قابل بیان خواهد بود. بدین معنا که اگر این دو وصف اشاره به موضوع مورد تعرض به عنوان متعلق فعل زبان‌بار داشته باشند، نسبت این دسته از تعرضات با زبان‌های مالی و نیز تعرض به تمامیت مادی شخصیت، عموم و خصوص من وجه است و اگر مقصود از وصف «مادی» و «معنوی» موضوع تعرض به عنوان نتیجه فعل زبان‌بار باشد، نسبت میان آنها تبیین مفهومی و مصداقی است.

کلید واژه‌ها: تمامیت معنوی شخصیت، تمامیت مادی شخصیت، اموال و دارایی.

*. تاریخ دریافت مقاله: ۱۴/۱۰/۹۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۲/۱/۹۵

** استادیار گروه الهیات دانشگاه یاسوج / f.ghodrati@yu.ac.ir

بیان مسئله

گستره و مصادیق تعرض به تمامیت معنوی نفس و شخصیت انسان نزد اکثر فقهاء، نامأنوس و تقریباً غیرآشناست. در متون فقهی امامیه، کلمه‌ای که مفید زیان و خسارت حاصل از لطمه به این بخش از وجود انسان باشد به کار برده نشده است، اما تعدادی از فقهای گذشته و محققین معاصر با اشاره به مصادیقی از آن در کنار خسارت مادی به معرفی و تبیین این دست از خسارات پرداخته‌اند (مراغی، ۱۳۸۳: ۱۹۷ و ۱۹۸؛ نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۹۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۷۸) و با توجه به ارتکازهای خود در شناسایی مصادیق، در مقام تعریف این عنوان، تعاریف مختلف و مقومات مفهومی متفاوتی را بیان کرده‌اند. در برخی تعاریف، لطمه به این دسته از حقوق مقابل لطامات مادی و به عنوان قسیم خسارت مالی و بدنی تعریف شده است، اما برخی تعاریف این خسارت را قسیم خسارت مالی و بدنی ندانسته‌اند، بلکه خسارت مالی و بدنی را اعم مطلق از این دسته از زیان‌ها تعریف کرده و معتقدند خسارات حاصل از تعرض به تمامیت معنوی نفس از فروع و قسمی از خسارت مالی و بدنی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۴۳؛ صفایی، ۱۳۵۵: ۲۵۸؛ کاتوزیان، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۱۹)

در متون فقهی اهل سنت برای اشاره به تجاوز به تمامیت معنوی شخصیت انسان از عبارت «الاکراه الادبی» و «الاکراه المعنوی» استفاده شده است (ابوزهره، ۲۰۱۰م: ۳۵۷ و ۳۵۸؛ سعید رمضان، ۱۹۶۴م: ۶۷۱ و ۶۷۸؛ احمد ضیاءالدین، ۱۴۰۵ق: ۷۰) که در تعریف این عنوان و تعیین نسبت معنایی آن با سایر انواع خسارات، همین ابهام و سردرگمی را می‌توان مشاهده کرد. (سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۱: ۸۶۴ و ۸۶۵ و احمد السراج، ۱۴۱۴ق: ۱۱۸)

بدیهی است هر کدام از انواع زیان‌ها و خسارات، دارای احکام و موازین فقهی متفاوتی هستند، از این رو تبیین معنا و گسترده مصادیق هر کدام از تعرضات و خسارت وارده به ۱- تمامیت مادی و ۲- تمامیت غیر مادی و ۳- اموال و دارایی انسان ضروری می‌نماید. در این راستا، این پژوهش در سه بخش تنظیم شده است: ابتدا واژه خسارت به عنوان واژه‌ای مضاف در انواع آن (خسارت مالی، خسارت مادی، خسارت غیرمادی) بررسی شده است و در بخش دوم و سوم به رابطه منطقی و نسبت انواع تعرضات پرداخته شده است.



۱. مفهوم‌شناسی

«خسارت» (الخسارة) مصدر از خَسَرَ، يَخْسِرُ، خُسْرًا و خَسَارَةً و خُسْرَانًا و جمع آن خَسَارَات و خَسَائِر است. (مجمع اللغة العربية و معجم الوسيط، ذیل واژه خسِر) در کتاب های مختلف لغت، تعاریف و معانی مختلفی برای آن ذکر شده است که می‌توان آنها را در چند کاربرد تقسیم بندی نمود:

الف) کاربرد مصدری: معانی مصدری خسارت در کتب لغت «ضرر کردن»، «زیان بردن» (معین، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۱۴۱۹ق و ج ۲: ۱۷۶۷)، «کم شدن» و «کم کردن» (دهخدا، ج ۲۲، ذیل واژه خسارت) است. «زیان» را همان خسارت در مقابل سود رساندن معنا کرده‌اند. (معین، همان)

ب) کاربرد اسم مصدری: از معانی اسم مصدری خسارت می‌توان به «نقصان» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۹۵ و ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۳۸)، «ضرر» و «زیان» (دهخدا، ج ۲۰: ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۹۱ و ۵۹۲) اشاره کرد. از جمله معانی دیگر آن «ضاللت» و «هلاکت» است. (ابن منظور، همان)

از آنجا که ضاللت و هلاکت نیز نوعی نقصان و زیان محسوب می‌شود، اما حوزه آن، امور مربوط به نفس انسان است، خسارت در آیات قرآن به معنای ضاللت و گمراهی (زمر: ۱۵، حج: ۱۱، اسراء: ۸۲ و معجم الوسيط: ذیل واژه خسِر) و نقصان و زیان (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۸۶) آمده است.

در لغت عرب، غالباً برای بیان نقصان و زیان کلمه «ضرر» به جای «خسارت» استفاده می‌شود و در دو وزن الضَّرُّ (مصدر) و الضَّرُّ (اسم) معنای آن را بیان کرده‌اند، (رضاء، ۱۹۵۸م، ج ۳، ذیل واژه خسِر) بدین ترتیب که «ضَرٌّ» در هر خسارت و فقدان شایع استعمال می‌شود و «ضَرٌّ» تنها اختصاص به ضرر نفس دارد. مانند مرض و لاغری (شرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۶۸۱ به نقل از کایات ابوالقاء) البته در مفردات راغب تقریباً عکس این مضمون آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۳) یک دیدگاه نیز هر دو وزن را هم معنا و مرادف با ضد نفع و بدی حال و سختی می‌داند. (شرتونی، همان) این معانی مبین این واقعیت است که کلمه «ضرر» شامل موارد، مصادیق و اقسام مختلف خسارت است؛ حال چنانچه این کلمه به طور مطلق به کار رود می‌تواند

۱. در مجمع البحرین آمده است: «الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (کهف: ۱۰۳) أَيْ النَّاكِثِينَ الْأَعْمَالَ، «وزنوهوم يُخْسِرُونَ» (مطففين: ۳) و «لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۹)، «خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (انعام: ۲۰) أَيْ عَيْبُوهَا وَ نَقَصَهَا.



شامل همه اقسام خود باشد و اگر نوع خاصی از ضرر مدّ نظر است با پسوندهایی همچون مادی، مالی، جسمی و معنوی بدان اشاره می‌شود.

با توجه به مترادف‌ها و کاربردهای معنایی واژه خسارت، لغت‌شناسان در مورد معنای حقیقی این واژه نظریات مختلفی دارند. مصطفوی در *التحقیق می‌نویسد:*

معنای اصلی و حقیقی این واژه آن چیزی است که مقابل سود قرار می‌گیرد، یعنی «کم شدن در مقابل سود کردن» و اما «نقص» و «گمراهی و هلاکت» و «ضرر»، هر یک از این موارد گاهی بر بعضی از موارد این معنا منطبق می‌شوند و گاهی از آثار این معنا یا از اسباب و مقدمات آن هستند. (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۵۲)

اما در *قاموس القرآن* معنای حقیقی خسارت را مطلق نقصان و کم شدن ذکر کرده‌اند:

کلمه خُسْر و خُسْران و خَسار و خَسارة یک معنی بیشتر ندارد و آن «نقصان و کم شدن» است، چنان‌که صریح آیه نهم سوره مبارکه الرحمن و آیه سوم سوره مبارکه مطفّفين است. (قرشی، ۱۳۷۱، ذیل واژه خسر)

در همین راستا یک نظر در ریشه‌شناسی این کلمه می‌گوید: به احتمال زیاد «خَسیر» همان «کَسیر» بوده، چرا که معنای کسر، شکستن است که نوعی نقصان است. در واقع مخرج حرف «خ» و «ک» به هم نزدیک است به مرور زمان «کَسیر» به «خَسیر» تبدیل شده است، البته با حفظ معنای قبلی خود. این احتمال نیز می‌رود که «خَسیر» از «خَسأ» گرفته شده باشد، چرا که «خَسأ» به معنای دور شدن و فاصله گرفتن از مرکز و کانون چیزی است که نوعی نقصان و زیان است. (دهقانی باغی، ۱۳۸۹: ۴۷)

به نظر می‌رسد اصل و ریشه معنای خسارت، «نقصان» و «کم شدن» در مقابل اصل دارایی است و نه سود و نفع؛ همچنان که لغت‌شناسان واژه ضرر را نیز که مترادف آن است، همان نقص وارد بر شیء دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۷)

برخی دیگر دامنه صدمه و نقص در مفهوم «خسارت» را عمیق‌تر و آن را نقص در سرمایه و اصل دارایی و «ضرر» را نقص در سود و نفع می‌دانند. (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۶۴-۶۰؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ذیل آیه ۲۷ بقره؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ذیل آیه ۲۷ سوره بقره) برخی نیز معتقدند در استعمالات عرب دامنه نقص در معنای «ضرر» زمانی که بدون اضافه بیانی به کار رود، عام‌تر از آن در معنای «خسارت» است. دیدگاهی دیگر «خسارت و خسران» را عموماً به معنای زیان در سرمایه‌های

۱. «المادة هو ما يقابل الريح أى المواضعه فى مقابل المراجعة...».



درونی می‌دانند و نه زیان در امور دنیوی و تجارت بشری. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۳)

۲. «خسارت» از نظر فقهای اسلامی

در آثار فقهای متقدم عامه و خاصه، تعریف مستقلی از خسارت ارائه نشده است و با توجه به مترادف معنایی آن با «ضرر»، عموماً از این کلمه برای موارد و مصادیق خسارت استفاده شده است. در متون فقهی متأخر نیز غالباً مفهوم خسارت به وسیله واژه ضرر بیان شده است. امام خمینی می‌فرماید: «یمكن ضمّ كل أسباب الضرر و الضیاع فی عنوان مصادیق الخسارة» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۶۰۹) اما در تبیین مفهوم «ضرر» به عنوان واژه جایگزین و مترادف با خسارت، بسیاری از فقها مفهوم ضرر را یک حقیقت عرفیه و همسو با معنای لغوی آن تعریف نموده‌اند. (ر.ک: نراقی، ۱۴۰۸ق: ۱۷؛ امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۹۲؛ نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ق: ۱۹۸) در بحوث الفقهیه آمده است:

ضرر و زیان همان نقص در مال یا نفس یا آبرو است، همان گونه که در کتب لغت بدان تصریح شده است. (حلی نجفی، ۱۴۱۵ق: ۲۰۱)

همچنین مرحوم میرزا حسن بجنوردی در تعریف «ضرر» می‌نویسد:

زیان و تعرض در تفاهم عرف، نقص مالی یا آبرویی یا جانی یا هر چیز دیگری است که درباره بُعدی از ابعاد وجود شخص باشد، به شرط آنکه مقتضی قریب آن تحقق یافته باشد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۷۸)

در این تعریف با عنایت به شرط تحقق مقتضی قریب برای به رسمیت شناختن ضرر در عرف، مواردی مانند مانعیت از کشت زمین آباد، ضرر محسوب شود، اما در زمین غیر مستعد ضرر محسوب نمی‌شود.

فقهای اهل سنت نیز با همین رویکرد و اشاره به معنای لغوی و عرفی، ضرر را ضد نفع معنا کرده‌اند. همچنان که در توضیح قاعده فقهی «النماء و الدرک» با به کارگیری واژه خسارت، آن را در این قاعده ملازم فائده و سود دانسته‌اند. (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۲۸۴) یا در بحث بیع مرابحه (ابن قدامه، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۲۶۴) یا احکام سود و زیان در عقد مضاربه (الجزیری، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۵۵) واژه خسارت در مقابل ربح و سود آمده است. همچنین برخی از جمله نجم‌الدین طوفی حنبلی، ضرر را مقابل مصلحت و این دو را نقیض هم می‌داند، با این بیان که ضرر در لغت به معنای مفسده است، پس هرگاه شرع، مفسده را نفی کند، مصلحت اثبات می‌شود. (الحکیم، ۱۳۹۰: ۳۹۱ و ۳۹۲)

۱. ... و هذا الربح فی عقد آخر قبل هذا الشراء فأشبهه الخسارة فیه.

برخی فقهای امامیه در پاسخ به این دیدگاه، ضرر و مصلحت را از قبیل ضدین دانسته‌اند، نه متناقضین تا نفی یکی موجب اثبات دیگری باشد؛ بنابراین از طریق نفی ضرر نمی‌توان مصلحت را اثبات کرد. (همان)

لازم به ذکر است گرچه فقها با نظر به معنای عرفی خسارت، آن را تعریف نموده‌اند، اما مفهوم خسارت در لسان ایشان اخص از معنای عرفی است، چرا که در عرف امروز، حداقل خسارت علاوه بر معنای «نقص دارایی» یا «کاستی نفع و سود»، در معنای «تاوان و غرامت» و آنچه که در جبران ضرر پرداخت می‌شود نیز آمده است (معین، ۱۳۷۵، ذیل واژه خسارت) درحالی که در فقه هنگامی که غرامت و تاوان ثابت است از عنوان خسارت یا ضرر استفاده نمی‌شود، بلکه ضرر و خسارت را در حکم سببی برای آن می‌دانند.

۳. «خسارت» از نظر حقوقدانان داخلی

اشاره شد که خسارت در فقه، مترادف با ضرر دانسته شده و فقها در تعریف خسارت و ضرر به عنوان یک حقیقت عرفیه، تعریفی اخص از معنای عرفی آن داشته و تنها آن را بر زیان و نقص اطلاق کرده‌اند و نه «آنچه به عنوان تاوان و جبران زیان پرداخت می‌شود» اما در تعاریف حقوقی خسارت، هر دو معنای عرفی ملحوظ شده است. همچنان که در ترمینولوژی حقوق و تعاریف تعدادی از حقوقدانان، خسارت این گونه تعریف شده است:

مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود؛ ۲. زیان وارد شده را هم خسارت می‌گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۶۰؛ کاتوزیان، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۱۹)

در جایی دیگر به منظور اشاره به عرفی بودن این دو معنا بیان شده است که: «مفهوم ضرر و یا خسارت را همه می‌دانیم...» (کاتوزیان، همان: ۱۴۲)

بنابراین تعاریف، خسارت به معنای ضرر، جبران ضرر و تاوان و غرامت می‌باشد. به همین جهت در پاسخ به اینکه چرا در تعاریف حقوقدانان و همچنین ذیل مواد قانونی، عموماً در اشاره به تاوان و غرامت، از واژه ضرر و زیان استفاده می‌شود، باید گفت این استعمال بر مبنای معنای اصطلاحی و از باب تسامح است، همچنان که برخی بدین مطلب اشاره داشته‌اند. (آخوندی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۷۲)

در مواد قانونی، خسارت تعریف نشده است، (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۱) اما در بسیاری مواد از جمله ماده ۲۲۱ و ۵۱۵ ق.م. یا اصل ۱۷۱ قانون اساسی، واژه خسارت در معنای لغوی ضرر آمده و در بسیاری مواد دیگر از جمله ماده ۲۲۶ ق.م و ۷۲۶ تا ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، خسارت در معنای چیزی به کار رفته که



بابت جبران ضرر تأدیه می‌شود. در این معنا می‌گویند: شخص باید از عهده خسارت برآید.

۴. معنای «خسارت غیرمادی» در اصطلاح فقهی

خسارت غیرمادی یا خسارت معنوی نزد اکثر فقهای متقدم واژه‌ای نامانوس و تقریباً غیرآشناست. در متون فقهی کلمه‌ای که مفید معنای خسارت مذکور یا ترجمه آن باشد به کار برده نشده است، اما تعدادی از فقهای گذشته و معاصر با اشاره به مصادیقی از آن در کنار خسارت مادی به معرفی و تبیین این دسته از خسارات پرداخته‌اند. مؤلف کتاب *العناوین* در این باره می‌نویسد:

آنچه موجب پیدایش درد است و با طبیعت معمولی انسان منافات دارد نیز [مصدق] ضرر است، اما در مورد عرض و آبرو ضابطه‌اش چیزی است که داخل در احترام مکلف است، به نحوی که هتک آن موجب خواری و سرشکستگی فرد بین مردم شود، مثلاً اگر کسی به زوجه دیگری تعدی کند... یا به او تهمتی بزند... این‌ها هتک آبرو است و به مانند اینها ضرر اطلاق می‌شود. (مراغی، ۱۳۸۳: ۱۹۷ و ۱۹۸)

به نظر می‌رسد ایشان در صدق عنوان ضرر معنوی قائل به رابطه مستقیم فعل زیان‌بار و مجنی‌علیه نیست و دامنه آن را تعمیم داده و صرف هتک حیثیت و آبرو را - حتی اگر با واسطه و در نتیجه لطمه به دیگری باشد- موجب تحقق عنوان ضرر دانسته است. مرحوم نائینی و برخی فقیهای دیگر نیز تجاوز به آبرو را از مصادیق ضرر دانسته‌اند. (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۹۹ و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۷۸) نویسنده مختصر *النافع* نیز در اشاره به این نوع خسارت، ذیل مثالی درباره زنی که با عنف با او درآمیخته‌اند، بیان می‌کند که چهار هزار درهم به او می‌دهند. این غرامت نتیجه ضرر تأثر و شرمساری زن از این درآمیختن است. (به نقل از حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۱۱۱) جالب آنکه با توجه به انطباق مواد قانونی با آرای فقهی، همین معنا در ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است:

دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زبردست بودن برای همخوابگی نامشروع وادار شده می‌تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی، مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

در برخی متون فقهی اهل سنت، برای اشاره به خسارت معنوی از عبارت «الاکراه» (ابوزهره، ۲۰۱۰م: ۳۵۷ و ۳۵۸) و «الاکراه المعنوی» (سعید رمضان، ۱۹۶۴م: ۶۷۱ و ۶۷۸؛ أحمد ضیاءالدین، ۱۴۰۵ق: ۷۰) استفاده شده است و گفته‌اند مقصود از آن، تهدیدی است که زبانی بر پیکر و تن مکره وارد نمی‌رساند ولی روح و احساس وی را

آزرده می‌کند. مانند زمانی که کسی را به آزار خویشاوندان نزدیک او تهدید کنند که این تهدید اگر برای خویشاوندان او مادی باشد، اما نسبت به وی آزار معنوی است. (عفت ثابت، ۱۹۲۴م: ۱۰۱) فقهای حنبلی در اشاره به خسارت معنوی در اکراه معنوی می‌گویند:

و أما الضرب اليسير فإن كان في حق من لا يسالي به فليس بإكراه
و إن كان في ذوى المروءات على وجه يكون إخراجاً بصاحبه و غضاً له و
شهرة له في حقه فهو كالضرب الكثير في حق غيره. (ابن قدامة، ۱۳۴۸ق، ج ۸:

۲۴۵؛ مرداوی، ۱۹۹۷م، ج ۱۵: ۴۴۱؛ ابوزهره، ۲۰۱۰م: ۳۵۷ و ۳۵۸)

و آزرده‌گی عواطف و لطمه بر شخصیت و وجاهت فرد را مصادیق از خسارت معنوی می‌دانند. برخی محققین اهل سنت نیز با یک عبارت کلی دایره خسارت معنوی را محدوده مصالح غیر مالی تعریف می‌کنند (سنه‌پوری، ۱۹۹۸م، ج ۱: ۸۶۴ و ۸۶۵) و در تبیین این مصالح، آن را شامل: ۱. جراحات جسمی و دردهای حاصل از جراحات و نازیبایی؛ ۲. ضرر و زیان وارده بر شرف و اعتبار و آبرو؛ ۳. ضرر وارده بر احساسات و عواطف و شعور و ۴. ضرر ناشی از تجاوز به حق ثابت مانند ورود به ملک غیر می‌دانند. (همان) برخی دیگر از ایشان برای خسارت معنوی دو صورت در نظر گرفته‌اند: صورت اول عبارت است از ایراد ضرر بر موقعیت اجتماعی، معنوی انسان و صورت دوم تجاوز مستقیم و بلاواسطه به عواطف معنوی انسان که موجب درد و رنج و ایجاد بیماری و مریضی یا جریحه‌دار شدن احساسات می‌شود. (نقیب، ۱۹۸۴م: ۲۶۸ و ۲۶۹)

در مجموع می‌توان گفت فقهای اسلامی با اشاره به مصادیق پراکنده‌ای از ضرر معنوی، آن را به عنوان قسم سوم از خسارات در کنار ضرر مالی و بدنی پذیرفته‌اند و صراحتاً در مقام تعریف و ارائه ملاک و ضابطه برای آن نبوده‌اند. علاوه اینکه توجه به فلسفه پاره‌ای از احکام شرعی و قواعد فقهی از جمله حکم لعان، قذف، ایلاء، دیه و قصاص و بسیاری احکام جزایی دیگر نمونه‌ای از توجه شارع به مصادیق مختلف خسارات معنوی است که در فصل دوم با تفصیل بیشتر بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۱. زدن اندک اگر نسبت به کسی باشد که بدان اعتنائی ندارد، اکراه نیست؛ اما اگر کسی باشد که اهل آزادی و مروت است، همین زدن اندک مایه دل‌تنگی و بدنامی و سرشکستگی اوست و تأثیر آن مانند زدن دردناک در مورد دیگران است و این بدون تردید همان اکراه معنوی است.



دیدگاه منتخب: در یک عبارت می‌توان خسارت معنوی را همان آسیب وارده به «شئونات مورد احترام انسان» یا «سرمایه‌های غیر مادی» دانست که عبارت‌اند از حواس ظاهری، شعور، احساس و عاطفه، نفس و روح و جان، موقعیت خانوادگی یا شغلی یا منزلت اجتماعی و... به نحوی که موجب تأثر درونی یا آگاهی از کاهش اعتبار و ارزش باشد. این دیدگاه نزدیک به تعاریف برخی از محققین عامه و خاصه است. (شراره، ۱۴۱۴ق: ۲۹۵ به بعد و الخفیف، ۱۹۹۷م: ۵۵)

۵. معنای «خسارت غیر مادی» در حقوق موضوعه

عمده بحث در مفهوم‌شناسی خسارت غیرمادی یا معنوی ذیل متون حقوقی انجام شده است. در تعاریف حقوقی دامنه‌های متفاوتی برای خسارت معنوی بیان شده است، بنابر یک تعریف، خسارت معنوی را تنها ناظر به حوزه حیثیت و شرافت و اعتبار و آبرو دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۱۶) اما این تعریف از جامعیت لازم نسبت به تمام انواع خسارت برخوردار نیست. در تعاریف دیگری که همسو با تعریف قانونگذار است،^۱ انواع خسارت معنوی را دو قسم دانسته‌اند: ۱. کسر حیثیت و اعتبار؛ ۲. صدمات و آلام روحی. (امامی، ۱۳۵۳: ۸ و ۹) این تعریف نیز اگر چه عام‌تر از تعریف قبلی است، اما همچنان تمام انواع خسارات را شامل نمی‌شود. از جمله لطمه به افکار و اعتقادات دینی یا صدمه به هوش و استعداد و سایر قوای روح و... . برخی علاوه بر موارد فوق، لطمه به آزادی‌ها و هر حقی را نیز مؤلد خسارت معنوی دانسته‌اند:

خسارت وارده بر حیثیت و اعتبار و شخصیت و خسارت وارده بر روح و آزادی و به تعبیر ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی هر حق دیگری... (شهیدی، ۱۳۶۶: ۴۷ و ۴۸)

این تعریف علاوه بر اینکه جامعیت ندارد، نسبت به حقوق مادی و عینی هم مانعیت ندارد و ملاکی را نیز برای تشخیص به دست نمی‌دهد. در تعاریف دیگر، لطمه به حقوق غیرمالی (معنوی) و درد و رنج جسمی و روحی ناشی از حوادث، به موارد قبل افزوده شده و به عنوان مصادیق خسارت معنوی معرفی شده‌اند. (صفایی، ۱۳۵۵: ۲۴۰ و کاتوزیان، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۴۴) برخی نیز خسارت معنوی را حاصل تجاوز به حقوق مربوط به شخصیت در بخش تمامیت معنوی و شخصیت غیر مادی دانسته‌اند (پروین، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۰) که در مباحث قبل به طور مبسوط در بخش مفهوم‌شناسی حق معنوی به تعریف و دامنه مصادیق حقوق مربوط به شخصیت پرداخته شد.

۱. بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در همین معنا آمده است: «ضرر و زیان معنوی عبارت است از کسر حیثیت و اعتبار یا صدمات روحی».



دیدگاه برگزیده: با نظر به مجموعه مصادیق خسارت معنوی در تعاریف مختلف و تغایر خسارت معنوی با خسارت مادی، مالی و بدنی (در ادامه نسبت خسارت معنوی را با آنها بررسی خواهد شد) خسارت معنوی هر نقص و کاستی است که به صورت از دست دادن پول متجلی نمی‌شود و موضوع آن غیرعینی و غیرمادی است.

با توجه به تعاریف برگزیده فقهی و حقوقی می‌توان گفت: اگرچه عموماً فقها و حقوقدانان با اشاره به مصادیق مشابه، سعی در تعریف خسارت معنوی داشته‌اند، اما در مقام ارائه یک ضابطه در تشخیص، فقهاء عمدتاً به متعلق خسارت معنوی و آثار زیان بار معنوی توجه داشته‌اند تا جایی که حتی در مواردی در تحقق عنوان ضرر معنوی قائل به شرط وجود رابطه مستقیم بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده بر مجنی‌علیه نیستند. (رک: مراغی، ۱۳۸۳ق: ۱۹۷ و ۱۹۸) در حالی که حقوقدانان عمدتاً شاخصه‌های ضرر معنوی را در مقایسه با ضرر مالی و مادی و بدنی تعریف می‌کنند.

لازم به ذکر است در خصوص موضوع خسارت معنوی، با توجه به این مهم که آثار و تبعات هر فعل زیان‌باری اعم از اینکه متعلق آن فعل مادی یا غیر مادی باشد، می‌تواند از باب تعدد خسارت موجب بروز خسارت معنوی در کنار خسارت مادی شود، از این رو در مواردی مانند صدمات جسمی (که متعلق فعل زیان‌بار مادی است) یا تجاوز به حقوق فکری (که متعلق فعل زیان‌بار غیر مادی است) خسارت معنوی در هر دو صورت همچنان موضوعی غیرعینی و غیر مادی دارد.

شایان ذکر است تحقق عنوان «خسارت معنوی» همواره موجب ضمان و مسئولیت نخواهد بود و بر همین اساس در تبیین ماهیت «ضرر معنوی موجب ضمان»، می‌توان خسارت معنوی را به اعتبار موجب و مسبب آن به سه قسم تقسیم نمود:

خسارت معنوی ناشی از فعل مجرمانه (ضرر جزایی)؛

خسارت معنوی ناشی از تقصیر غیر عمدی؛

خسارت معنوی ناشی از عمل غیر مجرمانه.

در ادامه اجمالاً به ماهیت ضرر معنوی در هر سه عنوان اشاره می‌شود:

الف) خسارت غیر مادی ناشی از فعل مجرمانه (ضرر جزایی): هر عمل

مجرمانه سه رکن دارد: ۱. منع قانونی؛ ۲. تظاهر خارجی؛ ۳. ارتکاب به آن در نتیجه خواست و اراده فاعل (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۱ و شامبیاتی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۲۶) در ماده دوم ق.م.ا در تعیین موارد جرم آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود». در مواردی خود ایراد خسارت معنوی جرم‌انگاری شده است. مانند جرایم علیه امنیت افراد، حریم خصوصی، حیثیت، نام و عنوان افراد و... در برخی موارد نیز خسارت معنوی یکی از آثار فعل



مجرمانه است مانند کسر زیبایی در جرم اسیدپاشی یا استرس‌ها، فشارهای عصبی و کسر حیثیت و اعتبار در جرایم مالی یا مثلاً خودداری اداره استاندارد از تأیید کالایی که شرایط لازم را دارد که می‌تواند برای صاحب آن لطمه معنوی ایجاد کند (پروین، ۱۳۸۰: ۵۴) و... که به موجب ماده ۱۴ ق.آ.د.ک^۱ شاکی می‌تواند تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند.

ب) خسارت غیرمادی ناشی از تقصیر غیر عمدی: گاه یک فعل زیان‌بار عنصر منع قانونی و تظاهر عینی و خارجی (عنصر مادی) را دارد، اما ارتکاب به آن نتیجه خواست و اراده فاعل نیست. مانند فعل صغیر و مجنون (مانند توهین یا تعرض به حریم افراد توسط آنها)، فرد خواب، بی‌هوش (مثلاً قذف یا نفی ولد توسط آنها) یا شخص مبتلا به صرع و... که در این موارد نسبت به ایراد خسارت معنوی عنوان «تعدی و تقصیر عمدی» صدق نمی‌کند، اما با نظر به اطلاق قاعده نفی ضرر و ارکان مسئولیت مدنی در مقایسه با مسئولیت جزایی، این خسارات نیز همچنان قابل مطالبه خواهند بود. (محمد احمد، ۱۹۸۶م: ۲۲۹) این سخن منطبق با مواد قانونی از جمله ماده ۱۲۱۶ ق.م.د در مسئولیت و ضمان خود مجنون و صغیر می‌باشد.

در مواردی مثل خسارات معنوی ناشی از فعل فرد مجبور یا فعل فرد فریب خورده (مثلاً تاجری در اثر اغوا نام تجاری دیگری را به کار گیرد و باعث خسارت معنوی شود) اگرچه فرد وارد کننده زیان مسئولیت ندارد، اما این به معنای عدم جبران خسارت برای شخص متضرر نیست و طبق قاعده فقهی در این موارد سبب، اقوی از مباشر است.

ج) خسارت غیرمادی ناشی از عمل غیر مجرمانه: وقوع این خسارت معنوی در صورت‌های متعددی قابل فرض است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. خسارات غیرمادی ناشی از اجرای حقوق شرعی و قانونی: اصولاً هر حق شرعی و قانونی اختیار و اقتداری برای صاحب آن ایجاد می‌کند که ممکن است در مواردی اجرای آن به ضرر دیگران باشد. این در حالی است که صاحب حق در صورت اعمال حق خود، مشروط به اینکه دچار تقصیر و سوء استفاده از حق نشود (مطابق ماده ۴۰ قانون اساسی) مسئول جبران زیان ناشی از آن نیست.

همچنان که افراد به موجب قانون (ماده ۱۰۳۵ ق.م) حق بر هم زدن نامزدی را دارند، لذا نباید به صرف بر هم زدن، مسئول جبران خسارت معنوی باشند یا زمانی که به موجب قانون (تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مطبوعات) در استفاده از حق پاسخگویی به یک

۱. قانون آیین دادرسی کشور.

انتقاد علمی، وجهه علمی منتقد را مخدوش کند به شرط آنکه دفاع و جوابیه متناسب با فعل فرد مقابل باشد یا زمانی که در یک محل یک تاجر کسب مشابهی را با تاجران آنجا راه بیندازند (با توجه به عدم مشروعیت قانونی حق کسب) و به جهت نوآوری‌ها و توسعه کار خود وجهه و اعتبار تجاری افراد آنجا کاهش یابد. البته با توجه به اطلاق قاعده نفي ضرر و ارکان مسئولیت مدنی، در مواردی قانونگذار تدابیری برای جبران این قبیل از خسارات معنوی اندیشیده است که قانون حذف نام همسر از شناسنامه دختر باکره مطلقه (ماده ۳۳ قانون ثبت احوال) نمونه‌ای از این موارد است.

۲. خسارت غیرمادی در مصونیت‌های قضایی: از جمله این موارد خسارات معنوی ناشی از فعل مجری قانون است (مثلاً کسر حیثیت متهم هنگام دستگیری او در ملاء انظار) که در این موارد نسبت به ایراد خسارت معنوی عنوان «تعدی و تقصیر» صدق نمی‌کند. در ماده ۱۱ مسئولیت مدنی در اشاره به این مطلب آمده است که: در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

۳. خسارت غیرمادی در اعمال محرومیت قانونگذار: محرومیت‌هایی مانند حبس، تبعید، تراشیدن سر و گرداندن در ملاء انظار و... که موجب خسارت معنوی است، گاهی در قالب مجازات اتفاق می‌افتد و گاهی در قالب قوانینی که زمینه را برای احقاق حقوق دیگران فراهم می‌کند، مانند محرومیت فرد مجرم از حق استفاده از نام و تصویر خود در انتشار تصویر و معرفی بدون پوشش در رسانه‌ها یا محرومیت راننده خاطی و توقیف وسیله نقلیه او در ایام تعطیلات، مسافرت و... .

۴. خسارت غیرمادی در سکوت قانونگذار و خلاء قانونی: در موضوعاتی مانند عدم ثبت ازدواج موقت، اطاله دادرسی، عدم‌النفع، موارد ضمان و مصونیت پزشک و... عدم وجود قانون می‌تواند مولد بسیاری از خسارات معنوی برای افراد باشد.

۶. رابطه خسارت غیرمادی با خسارت مادی، مالی و بدنی

خسارت معنوی یا همان «الضرر الادبی و المعنوی»^۱ از جمله مفاهیمی است که در دامنه مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی با این مبنا که متعلق خسارت معنوی کلیه سرمایه‌های غیر مادی است، آن را قسیم خسارات وارده به حقوق مالی و دارایی‌های مادی دانسته‌اند. (سنه‌وری، ۱۹۹۸م، ج ۱: ۸۶۵-۸۶۴؛ النقیب، ۱۹۸۴م: ۲۵۸؛

۱. رک: اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی؛

سنه‌وری، ۱۹۹۸م، ج ۱: ۶۸۰.



صفایی، ۱۳۵۵: ۲۵۸؛ کاتوزیان، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۱۹) برخی دیگر خسارت معنوی را قسیم خسارت مادی و بدنی می‌دانند. (السراج، ۱۴۱۴ق: ۱۱۸ و جعفری لنگرودی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۴۳) برخی هم لطمه به عرض و شرف را خسارت ادبی نام گذارده و آن را مفهومی مجزا از خسارت معنوی دانسته و خسارت معنوی را مقابل خسارات مادی قرار می‌دهند. (الخفیف، ۱۹۹۷م: ۵۴ و ۵۵ و صفایی، ۱۳۹۳: ۵۴۹)

در جمع این سه دیدگاه می‌توان گفت: خسارت معنوی مقابل خسارت مادی است و خسارت مادی به دو صورت تعریف شده است: ۱. این همانی خسارت مادی و مادی (سنه‌پوری، ۱۹۹۸م، ج ۱: ۸۵۶)؛ ۲. خسارت مادی اعم از خسارت مادی و بدنی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۴۱۵ و جرجیس، ۱۹۹۶م: ۲۲۴)

به نظر می‌رسد با توجه به ضابطه در خسارات مادی که همان محسوس بودن، قابل ارزیابی و عینی و مشهود بودن این خسارت است، (درخشان‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۳) نمی‌توان آن را محدود به خسارات مادی دانست، چرا که این ملاک شامل صدمات و جراحات وارده به بدن نیز می‌باشد. این درحالی است که تعاریفی که قائل به شمولیت خسارت مادی نسبت به خسارت مادی و بدنی است مورد مناقشه قرار گرفته است و برخی خسارت بدنی را جزو خسارت معنوی دانسته‌اند (شهیدی، ۱۳۶۶: ۴۷ و ۴۸) یا آن را به عنوان قسم سوم از خسارات با چهره‌های دوگانه (اعم از مادی و معنوی) قلمداد می‌کنند. (نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۶ و پروین، ۱۳۸۰: ۱۴ و ۱۹)

به نظر می‌رسد این مناقشه ناشی از دو تفسیر متفاوت از اضافه «مادی» و «معنوی» در خسارات مادی و معنوی است؛ اگر مقصود ما از وصف «مادی» و «معنوی» اشاره به موضوع خسارت به عنوان «متعلق فعل زیان‌بار» باشد این ایراد و مناقشه وارد است و نمی‌توان خسارات بدنی و بسیاری از خسارات دیگر را ذیل خسارات مادی یا معنوی دانست، بلکه باید قائل به قسم سوم از خسارات به عنوان خسارات مختلط و دوچهره‌ای باشیم.^۱ به عنوان نمونه زمانی که از بین بردن یک اثر یادگاری توأم با احساس تأثر و ناراحتی است یا در جرم اسید پاشی که لطمه به جسم و بدن توأم با کسر زیبایی و درد و گاه بیماری روحی یا سلب فرصت یا لطمه به حیثیت فرد همراه با حمله قلبی و بیماری جسمی است یا تألمات روحی و روانی توأم با هزینه و خسارات مادی است. در این مثال‌ها متعلق فعل زیان‌بار مادی-معنوی است.

اما اگر مقصود از وصف «مادی» و «معنوی» اشاره به موضوع خسارت به عنوان «نتیجه فعل زیان‌بار» باشد، هر فعل زیان‌بار می‌تواند خسارات متعدد و مستقیم مادی

۱. برخی محققین با همین مبنا لطمه به حق بدنی و حق فکری را با عنوان خسارات مختلط و دارای

چهره‌های دوگانه دانسته‌اند. (ر.ک: صفایی، ۱۳۹۳: ۵۴۹)



یا معنوی داشته باشد. بر این مبنا آسیب به جسم تنها مولد یک خسارت نیست تا آن را دو چهره‌ای بدانیم بلکه می‌توان در آن فرض تعدد خسارت کرد. خسارت به بدن لزوماً یک خسارتی مادی خواهد بود و درد و تألمات روحی، کسر زیبایی و... خسارت مستقل دیگری است که حاصل فعل زیان‌بار است یا لطمه به حق معنوی به عنوان یک حق غیر مالی می‌تواند باعث تعدد خسارت و بروز ضرر مادی نیز باشد. همچنان که تعرض به شهرت تجاری یک فرد می‌تواند باعث لغو تعدادی از قراردادهای مالی او شود یا ارزیابی مغرضانه یک ابتکار علمی، آن را از کسب جوایز و هدایای مادی محروم کند یا در مثال تألمات روحی که توأم با حمله قلبی است باید قائل به دو خسارت مستقل بود و نه یک خسارت مختلط و دو چهره‌ای. این معنا منطبق با ماده دوم قانون مسئولیت مدنی است که قائل به تعدد ضمان در تعدد خسارات مادی و معنوی ناشی از وقوع یک فعل زیان‌بار است.

با توجه به آنچه بیان شد در تعریف خسارت مادی و تقابل آن با خسارت معنوی می‌توان گفت: هر نقص و کسری در اموال موجود فرد (از طریق تلف کلی یا جزئی اعیان، کاهش ارزش آن، جلوگیری از تحصیل منفعت، افزایش دیون، تفویت منفعت) و هر لطمه و آسیب به سلامتی جسم انسان و تجاوز به دستاوردها و عایدات مالی ناشی از حقوق معنوی مالی و غیر مالی، خسارت مادی خواهد بود.

نتایج

۱. خسارت معنوی همان آسیب وارده به شئون مورد احترام انسان یا «سرمایه‌های غیر مادی است که عبارت‌اند از: حواس ظاهری، شعور، احساس و عاطفه، نفس، موقعیت خانوادگی یا شغلی یا منزلت اجتماعی و... به نحوی که موجب تأثر درونی یا آگاهی از کاهش اعتبار و ارزش آن باشد.

۲. برخی خسارت معنوی را قسمی از خسارت بدنی و قسیم خسارات وارده به حقوق مالی و دارایی‌های مادی دانسته‌اند و برخی خسارت معنوی را قسیم خسارت مالی و بدنی. برخی تعاریف نیز دسته‌ای از مصادیق خسارت معنوی را جزو خسارات ادبی محسوب می‌کنند و آن را دارای مفهومی مجزا از خسارت معنوی می‌دانند. در جمع این سه دیدگاه می‌توان گفت: خسارت معنوی مقابل خسارت مادی است و خسارت مادی به دو صورت تعریف شده است: ۱. این‌همانی خسارت مادی و مالی؛ ۲. خسارت مادی اعم از خسارت مالی و بدنی.

۱. برای تفصیل بیشتر «ر.ک»: درخشان‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۹-۳۴.

۳. نسبت خسارت معنوی با توجه به دو تفسیر متفاوت از اضافه مادی و معنوی در خسارات مادی و معنوی قابل بیان خواهد بود. بدین معنا که اگر این دو وصف اشاره به موضوع خسارت به عنوان متعلق فعل زیان‌بار داشته باشد، می‌توان قائل به امکان وقوع آسیب‌های دو چهره بود. بنابراین نسبت خسارت معنوی با خسارت مالی و نیز خسارت بدنی می‌تواند عموم و خصوص من وجه باشد و نقطه اجتماع آن خساراتی هستند که اصطلاحاً چند چهره‌ای بوده و در آن واحد نسبت به بدن، مال و دارایی‌های غیر مادی وارد می‌شود. مانند جرم اسید پاشی که لطمه به جسم و بدن توأم با کسر زیبایی و درد و گاه بیماری روحی یا سلب فرصت کار و خسارت مالی است. نمونه دیگر لطمه به حیثیت فرد همراه با حمله قلبی و بیماری جسمی است یا تألمات روحی و روانی توأم با هزینه و خسارات مالی. اگر مقصود از وصف مادی و معنوی، اشاره به موضوع خسارت به عنوان نتیجه فعل زیان‌بار باشد، فرض خسارات متعدد و مستقیم مادی یا معنوی در یک حادثه صحیح خواهد بود. بنابراین، این سه خسارت تباین مفهومی و مصداقی خواهند داشت.





منابع و مأخذ:

- آخوندی، محمود (۱۳۷۶)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۸، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوزهره، محمد (۲۰۱۰م)، *اصول الفقه*، قاهره: دار الفکر العربی.
- احمدسراج، محمد (۱۴۱۴ق)، *ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی*، لبنان: مؤسسه مجد الجامعیة للدراسات.
- أحمد ضیاء الدین (۱۴۰۵ق)، «الإكراه وأثره فی الدلیل الجنائی»، *الأمن العالم*، العدد ۱۰۷، ص: ۹۰-۶۹.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۶)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
- ابن قدامه، عبدالله بن أحمد (۱۴۱۰ق)، *المغنی*، الطبعة الثانية، قاهره: دارالهجره.
- _____ (۱۳۴۸ق)، *الشرح الكبير (حاشية كتاب المغنی)*، بیروت: دارالکتب العربی.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۰ش)، *خسارت معنوی در حقوق ایران*، ج ۱، تهران: ققنوس.
- جرجس، جرجس (۱۹۹۶م)، *معجم المصطلحات الفقهیه القانونیه*، بیروت: الشركه العالمیه الكتاب.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *الفقه علی مذاهب الاربعه*، دارالتقلین، بیروت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۳، تهران: گنج دانش.
- _____ (۱۳۷۶)، *دانشنامه حقوقی*، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۱)، *دائرة المعارف علوم اسلامی (منطق حقوق)*، تهران: گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، *تفسیر تسنیم*، ج ۱، قم: اسراء.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۰)، *مسئولیت مدنی*، ج ۱، تهران: انتشارات جهاد، دانشگاه شهید بهشتی.



- حکیم، سیدمحمدتقی (۱۳۹۰ق)، *الاصول العامة للفقہ المقارن، الطبعة الثانية*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- حلی النجفی (۱۴۱۵ق)، *حسین، بحوث الفقہیة*، قم: مؤسسة المنار.
- الخفیف، علی (۱۹۹۷م)، *الضمان فی الفقہ الاسلامی*، قاهره: دارالفکر العربی.
- خمینی، سیدروح الله (بی تا)، *تحریر الوسیلة، الطبعة الأولى*، قم: مؤسسة مطبوعات دارالعلم.
- _____ (۱۳۸۲)، *تهذیب الاصول، المقرر: جعفر سبحانی*، قم: دارالفکر.
- درخشان نیا، حمید (۱۳۸۴)، *ضرر و زیان ناشی از جرم، ج ۱*، تهران: مهاجر.
- دهقانی باغی، کاظم (۱۳۸۹)، «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه خسره»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۵ق)، *المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الأولى*، قم: دارالهجره.
- رضا، شیخ احمد (۱۹۵۸م)، *معجم متن اللغة (موسوعه لغویة حدیثه)*، بیروت: دار مکتبة الحیاه.
- سعید رمضان، عمر (۱۹۶۴م)، «بین النظرتین النفسیة و المعیاریة للإثم» (بحث فی طبیعة الرکن المعنوی للجریمة)، القانون و الإقتصاد، السنة ۳۴، العدد: ۳، ص: ۶۸۰-۶۰۶.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۸۸م)، *الوسیط فی شرح القانون المدنی، الطبعة الثانية*، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱۲، تهران: نشر ژوبین.
- شراره، عبدالجبار (۱۴۱۴ق)، «مبدأ التعویض عن الضرر المعنوی فی الفقہ الاسلامی»، دراسه مقارنه، الفکر الجدید، العدد ۷، ص: ۳۱۹۵-۲۹۵.
- شرتونی، سعید (۱۹۹۲م)، *أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*.
- شهیدی، مهدی (۱۳۶۶-۱۳۶۷)، «مسئولیت مدنی»، جزوه درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۳)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)*، ج ۲، تهران: میزان.
- _____ (۱۳۵۵)، *مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی*، تهران: مرکز تحقیقات زبان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.

- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، الطبعة الثالثة، تهران: مكتبة المرتضوية.
- عفت ثابت، خليل (۱۹۲۴م)، «حالة الإكراه»، المحاماة، السنة الخامسة، العدد: ۲، ص: ۹۹-۱۰۴.
- فراهیدی، خليل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العين، الطبعة الأولى، قم: الأسوه؛ الطبعة الثانية (۱۴۱۴ق)، قم: الهجرة.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس القرآن، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۲)، حقوق مدنی (الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری)، تهران: دانشگاه تهران.
- محمد احمد، سلیمان (۱۹۸۵م)، ضمان المتلفات فی الفقه الاسلامی، قاهره: دارالسعادة.
- مراغی، عبد الفتاح (۱۳۸۳)، العناوين الفقهيه، قم: مركز النشر اسلامي.
- مرداوی، علی بن سلیمان (۱۹۹۷م)، الإنصاف فی معرفة الرجح من الخلاف، تحقیق: رائد بن أبی علفه، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق)، التّحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، مائة قاعدة فقهية، الطبعة الرابعة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۹۱ق)، القواعد الفقهية، نجف: مطبعة الآداب.
- نراقی، احمد (۱۴۰۸ق)، عوائد الايام من مهمات ادله الاحكام، الطبعة الثالثة، منشورات مكتبة بصيرتي.
- نجفی خوانساری، موسی (۱۴۱۸ق)، منية الطالب فی شرح المكاسب، قم: مؤسسة النشر اسلامي.
- النقیب، عاطف (۱۹۸۴م)، النظرية العامة للمسؤولية الناشئة عن الفعل الشخصي الخطأ والضرر، الطبعة الثالثة، بیروت: منشورات عويدات؛ ديوان المطبوعات الجامعية.
- نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر، ج ۱، تهران: امیرکبیر.